

جوانان در برنامه چهارم توسعه

## قانون جوانی

خود را در کلیت و تمامیت، به صورت کاملاً مشخص تدوین کند و نقش سازمان‌هایی را که باید آن برنامه را به تحقق برسانند، تعریف نماید. این نقش‌ها نیز باید قابل کنترل و ارزیابی باشند، یعنی از مجاری قانونی شکل بگیرند و عملکردی کاملاً شفاف داشته باشند. این شفافیت، باید هم برای عاملان و کارگزاران برنامه و هم برای مردمی که تحت عملکرد آن برنامه هستند، شناخته شده و الزام‌آور باشد، وگرنه هر کسی، راهی جداگانه می‌پیماید و این راه‌ها - حتی اگر هدفمند هم باشند - در یک راستا قرار نمی‌گیرند و در نهایت، به وضعیتی منجر می‌شوند که هیچ کس به درستی حقوق و وظایف خود را نمی‌شناسد و به آن پاسخگو نخواهد بود و این همان بی‌راهه‌ای است که بسیار شاهد آن بوده‌ایم.

اقتصاد ایران: چه راهکارهایی برای تقویت نقش جوانان در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی کشور پیشنهاد می‌کنید؟  
 در وهله اول، باید کارهایی را که تاکنون انجام داده و به نتیجه نرسیده‌ایم، دنبال نکنیم و به منطق برنامه‌ریزی جامع و مسؤول برگردیم. در عین حال حق و تکلیف را از طرفین به صورت برابر بخواهیم و الزامات برنامه‌ریزی و انجام آن را به گونه‌ای که باید، فراهم کنیم. دولت موظف است که نهادهای علمی و فنی کنترل و ارزیابی را برای حسن انجام کار به وجود آورده و داوری آنها را گرمی دارد و به نقطه نظرهايشان عمل کند. سرانجام آن که، این موارد را در متن برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی قرار داده و برای خود حقی برای مثله کردن برنامه قابل نشود. این بدترین آفت در حل مسایل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی است.

اقتصاد ایران: اقدامات دولت نهم را در رفع مشکلات جمعیت جوان کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
 بهتر است دولت، زمان‌بندی‌هایی را که برای حل مشکلات جوانان مطرح کرده، مرور کند و در پی تمديد این زمان‌بندی‌ها برنیاید. مناسب است که یک بار دیگر رؤس اقداماتی را که در برنامه‌ها مطرح شده، بررسی نموده و آنها را به انجام برساند. از همه مهمتر، سازمان ملی جوانان را از سازمانی که دائماً در حال مطالعه بی‌نتیجه مسایل جوانان است، خارج کرده و به سازمانی پویا، برای حل بسیاری از مسایلی که تاکنون مطالعه شده است تبدیل کند تا به این ترتیب، بتوان به آینده جوانان این مرز و بوم، چشم امید داشت.

اقتصاد ایران: متشکریم. ■

### افزایش نسبت بیکاری جوانان

سال	۲۰۲۴ - ۲۰	کل جمعیت	نسبت بیکاری جوانان به کل
۱۳۵۵	۱۱/۱	۱۰/۲	۱/۹
۱۳۷۵	۱۶/۲	۹/۱	۱/۷۸
۱۳۸۵	۲۶/۴	۱۲/۸	۲/۰۶

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج طرح آمارگیری نیروی کار.

### شاید با عمل به مواد قانونی و اسناد توسعه کشور که به بررسی همه جانبه مسایل جامعه، خصوصاً جوانان می‌پردازد، فرصت‌ها را از دست نمی‌دادیم.

نرم‌افزاری را برای توسعه کمی و کیفی برنامه مذکور، ضروری دیده است، عدم حاکمیت قاعده دانش‌مداری و کارآفرینی بر آموزش در کشور، گویای ناتوانی دولت‌ها در اجرای این بند از قانون می‌باشد. عدم ارزیابی دانشگاه‌های کشور از ابعاد سطح علمی دانشجویان و استادان، توسط وزارتخانه علوم و سایر وزارتخانه‌های مرتبط، عدم تطابق نیازهای بازار کار و علوم دانشگاهی و تداوم بی‌توجهی به نخبگان و استعداد‌های درخشان علمی کشور، نتیجه همان عدم توفیقی است که در ابعاد اجرایی، دولت‌ها با آن دست به گریبانند.

توجه به تأمین فرصت‌های برابر آموزشی، به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته و ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی، با توجه به توسعه کمی و کیفی آموزش عمومی، موضوع ماده ۵۲ قانون برنامه چهارم می‌باشد. در این راستا، تعمیق و بهبود آموزش و ارتقای توان علمی و مهارتی معلمان، با تدوین استانداردهای حرفه‌ای آنها، مورد تأکید قرار گرفته است. متأسفانه شرایط حاکم بر جامعه معلمان و استادان دانشگاهی، توفیق‌بندهایی از این ماده قانونی را همچون افزایش انگیزه شغلی معلمان، اصلاح نظام پرداخت‌ها متناسب با میزان بهره‌وری، تدوین نظام سنجش صلاحیت علمی و آموزشی آنان و از همه مهمتر، برنامه‌ریزی برای تدوین برنامه‌های آموزشی و ارتقای سلامت را با تردید مواجه ساخته است.

در عین حال، ماده ۵۵ برنامه چهارم توسعه، دولت را مکلف ساخته تا در راستای گسترش دانش و مهارت و اصلاح هرم تحصیلی نیروی کار و ارتقای نیروی انسانی و همچنین به منظور ایجاد فرصت‌های جدید شغلی برای جوانان، به برپایی نهادی سیاست‌گذار در آموزش فنی - حرفه‌ای و علمی - کاربردی مبادرت نموده و به تصویب چشم‌اندازها، راهبردها و سیاست‌های کلان، در راستای تحقق این امر مبادرت نماید. استمرار نظام کارآموزی و کارورزی برای تمام نظام‌های آموزشی، بند دیگری از این ماده قانونی است. متأسفانه همواره جای خالی بررسی و ارزیابی صحیح و مطابق با موازین بین‌المللی، باعث می‌شود تا نتوانیم وضعیت موجود نیروی کار کشور را از بُعد مهارت و دانش، مورد بررسی قرار دهیم. علیرغم پیش‌بینی‌های صورت گرفته در این زمینه، متأسفانه هنوز برای رسیدن به سطح قابل قبول و استاندارد، فاصله زیادی باقی است.

دولت هشتم، با دغدغه توسعه فرهنگی، اقتصادی، اشتغال و آموزش، به خصوص در بین جوانان و با تدوین

بسیاری از مواد برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی که توسط دولت‌های پس از انقلاب تدوین شده و به عنوان اسناد رسمی و اجرایی، مدنظر قرار گرفته است، در راستای ارتقا و رشد و تعالی کشور طراحی و به مرحله اجرا درآمده است. این که اجرای طرح و برنامه‌های مزبور تا چه اندازه به توفیق دست یافته، به بررسی‌های عمیق‌تری نیازمند است. متأسفانه چالش اصلی مدیریت کلان کشور، شکست در برنامه‌ریزی است. اگرچه تاکنون، برنامه‌های تحول‌گرا و اصلاح‌گراوانی در جلسات هیأت دولت، صحن‌های علنی و غیرعلنی مجلس و دستورالعمل‌های درون‌سازمانی به تصویب رسیده، اما متأسفانه، یا همگی در مرحله اجرا کاملاً ناکام مانده و یا با اجرای ناقص مواجه شده‌اند.

ماده ۴۳ قانون برنامه چهارم توسعه، با توجه به اهمیت نقش دانش، فن‌آوری و مهارت، به عنوان اصلی‌ترین عوامل ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد، نوسازی و بازسازی سیاست‌ها و راهبردهای پژوهشی و آموزشی را مدنظر قرار داده و بر تهیه برنامه‌های جامع توسعه علمی و فن‌آوری کشور تأکید نموده است. در این راستا، اتخاذ تصمیمات مربوط به حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای حوزه‌های مختلف علمی، در کنار بازنگری در ساختار و نوسازی فرآیندهای تحقیقات در علوم، به منظور توسعه کیفی و انجام پژوهش‌های حرفه‌ای و ارتقای توان نظریه‌پردازی، مطابق با استانداردهای جهانی مورد بررسی قرار گرفته است. ماده ۴۵ همین قانون، به بررسی گسترش بازار محصولات دانایی‌محور و دانش‌بنیان پرداخته و با ارایه راهکارهایی، انجام این عملیات را در رأس برنامه‌های علمی و پژوهشی خود قرار داده است. برخی از این راهکارها را می‌توان در قالب پرداخت بخشی از هزینه‌های ثبت جواز امتیاز علمی، اتخاذ تدابیر بیمه‌ای برای قراردادهای پژوهشی، فنی و فعالیت‌های تولیدی و خدماتی دانش‌محور، حمایت از پژوهش‌های سفارشی از طریق پیش‌بینی اعتبار در بودجه سنواتی، اصلاح قوانین و مقررات و ایجاد تسهیلات لازم، حمایت مالی مستقیم از مراکز و شرکت‌های تحقیقات توسعه‌ای و تأسیس صندوق‌های غیردولتی پژوهش و فن‌آوری معرفی کرد.

در حالی که ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت را موظف به زمینه‌سازی و تربیت نیروی انسانی دانش‌مدار و کارآفرین نموده و انطباق دانش و نهضت

## پرسمان «اقتصاد ایران»

## با جمعیت جوان چه کنیم؟

صاحب‌نظران در بررسی وضعیت جوانان، از تهدیدها و فرصت‌های پیش روی آنان می‌گویند.

خیل عظیم جوانان کشور، ظرفیت بالایی است که با مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح، می‌تواند پیشرفت ایران را در همه زمینه‌ها در سال‌های آینده تضمین کند. از سوی دیگر، عدم توجه به نیازها و الزامات این قشر تأثیرگذار، می‌تواند خسارت‌ها و فرصت‌سوزی‌هایی به دنبال داشته باشد. بر این اساس، ماهنامه «اقتصاد ایران»، طی یک پرسمان از دو تن از جوانان موفق کشور، به موضوع فوق پرداخته که سؤالات آن به شرح زیر می‌باشند:

- ۱) با چه فرآیندی می‌توان نیروی جوان کشور را در پیشبرد برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی و سیاسی کشور جذب کرد؟
- ۲) نقش و جایگاه مراکز فرهنگی، علمی، پژوهشی و دستگاه‌های اجرایی کشور، در اثربخشی حضور جوانان در اجتماع چیست؟
- ۳) نظر شما راجع به فرار مغزها و نخبگان از کشور چیست و چه راه‌حلی را برای جلوگیری از این آسیب پیشنهاد می‌کنید؟



## تعیین راه، به جای تعیین حصار

دکتر شهاب‌الدین شمس

عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد مازندران

● کشور ما از جمعیت بالای جوان برخوردار است. این جوانان دارای پتانسیل‌های فراوانی می‌باشند که می‌توانند به عنوان یک فرصت برای افزایش شتاب رشد، مورد استفاده قرار گیرند. اما سؤالی مطرح است: آیا نیروی جوان کشور، به خودی خود می‌تواند تأثیرگذار باشد یا به سیاست‌گذاری‌هایی برای به فعلیت رسیدن این پتانسیل‌ها نیازمندیم؟

اساساً نیروی جوان، به این دلیل یک ثروت تلقی می‌شود که توانایی یادگیری و انجام کار دارد، انعطاف‌پذیر است و قابلیت پذیرش نوآوری‌ها را در همه زمینه‌ها دارا می‌باشد. بنابراین وقتی در کشوری با جمعیت جوان مواجه هستیم، می‌دانیم پتانسیلی برای یادگیری در این کشور وجود دارد و این افراد می‌توانند به عنوان عوامل تولید، با استفاده از تکنولوژی نوبه‌صورت بهره‌ور، وظیفه ارتقای تولید را بر عهده بگیرند. از طرفی، اگر نیروی انسانی جوان مدیریت نشود، یک انرژی مزاد خواهیم داشت که به صورت مخرب عمل می‌کند و نه تنها باعث رشد اقتصادی نمی‌شود، بلکه مانع آن می‌گردد. در این راستا، یک حلقه چهارگانه داریم که با آموزش شروع می‌شود. در بخش دوم، کارورزی وجود دارد،

برنامه چهارم توسعه، زمینه را برای حرکت به سمت توسعه دانش محور کشور فراهم نموده بود، ولی متأسفانه به دلیل عدم توجه کافی به مقوله‌های فوق، شکوفایی چشمگیری در حیطه مسایل جوانان شاهد نبودیم. در این رابطه، موادی از قانون برنامه چهارم توسعه، به منظور ارتقای اقتصاد، افزایش اشتغال و بهبود کیفیت آموزش و اصلاح قوانین و مقررات موجود را برای رفع موانع انحصاری و تقویت مشارکت مردمی، به خصوص جوانان، مورد اشاره قرار داده و به توسعه ساختارها و زیربنای لازم برای رشد تولید و توزیع بسیاری از مقوله‌های فرهنگی، هنری و ورزشی برای قشر جوان تأکید نموده است. حمایت از بخش فرهنگی جوانان، با هدف نیل به بهبود کیفیت محصولات فرهنگی، هنری و ورزشی، از موارد دیگری است که می‌تواند در کنار توسعه فضای فرهنگی، به شکوفایی استعداد جوان کشور بینجامد.

سازمان تربیت بدنی، کمیته ملی المپیک، باشگاه‌ها و فدراسیون‌های ورزشی، مراکز علمی، کتابخانه‌ها، آموزشگاه‌های هنرآموزی و بسیاری دیگر از مراکز فرهنگی، اعم از مراکز مردم‌نهاد و حتی مراکز غیردولتی، قادر به پوشش و تأمین شرایط ارتقای فرصت‌های بالقوه جوانان می‌باشند.

ماده ۹۷ برنامه چهارم توسعه، به بررسی ابعاد ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی در جامعه پرداخته است. در این راستا و با تأکید بر کاهش و کنترل آسیب‌های اجتماعی و پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر، تصمیماتی اتخاذ شده که اجرای آن می‌تواند با ارتقای روحیه نشاط و شادابی در جامعه، مفید و مؤثر باشد. متأسفانه مشکلات عدیده‌ای که بسیاری از جوانان جامعه به آن مبتلا می‌باشند، مسایلی هستند که قوانین و برنامه‌های جامع کشور به آنان پرداخته، ولی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. مواردی چون: آموزش پایه‌ای و اصلاح برنامه‌های درسی دانش‌آموزان و آموزش آسیب‌ها و بحران‌های جامعه، خدمات‌رسانی به موقع به افراد، در معرفی آسیب‌های اجتماعی و بازتوانی آسیب‌دیدگان، ضمن فراهم آوردن بستری در بازگشت آنان به جامعه که بندهایی از ماده ۹۷ می‌باشند، عملاً سلامت جوانان جامعه را تضمین خواهند نمود.

در این راستا، پیشگیری و مبارزه با مواد مخدر - هم از بُعد مصرف و هم قاچاق - کاردرمانی و آموزش مهارت‌های زندگی سالم، جلوگیری از تغییر الگوی مصرف مواد مخدر به سمت داروهای شیمیایی، جلوگیری از حمل‌ونقل و ترانزیت مواد مخدر و تقویت نقش مردم و سازمان‌های غیردولتی در امر پیشگیری و مبارزه با اعتیاد، به عنوان راهکارهای قانونی معرفی شده‌اند. امید است که دولت نهم، با تدوین برنامه‌ای منطقی و با نگاهی جدی به امر جوانان، برنامه پنجم توسعه را برنامه‌ای جوان‌مدار قرار داده و زمینه را برای بهبود اوضاع این قشر عظیم و البته پرتوان، تا پایان سال برنامه فراهم آورد. ■

یعنی آموخته‌های نظری به صورت عملی و کنترل شده و تحت نظر، مورد آزمایش قرار می‌گیرند. مرحله سوم، تجربه اندوزی است. در این مرحله، فرد با توجه به آنچه در مرحله آموزش و کارورزی فرا گرفته، شروع به محک زدن روش‌های مختلف می‌کند و با توجه به توان مسؤلیت‌پذیری خود، کارهایی را بر عهده می‌گیرد. مرحله آخر، مرحله بهره‌وری و بلوغ است. در مرحله افزایش بهره‌وری، فرد جوان کاملاً آماده هدایت مؤثر و مفید پروژه‌های مهم اقتصادی است. کشور ما در این فرآیند چهارگانه، ضعف اساسی دارد. دلیل این مسأله آن است که مرحله آموزشی در کشور، کاملاً جنبه تئوریک داشته و حتی در صورت ورود به مرحله کارورزی، ارتباط زیادی بین آموخته‌ها و آنچه در عمل وجود دارد نیست. این مسأله در رشته‌های علوم انسانی نمود بیشتری می‌یابد. در حالی که مباحث نظری و تئوری ما باید قابلیت ارتباط با مباحث کاربردی را داشته باشند. از سوی دیگر کیفیت آموزش در سال‌های اخیر به شدت پایین آمده است. این چرخه‌ها را باید در مدیریت نیروی جوان لحاظ کرد.

● ما ۲ نوع نگرش داریم: یک نگرش آرمانی برای تحقق پیشرفت در اجتماع و یک نگرش خودخواهانه برای تحقق پیشرفت در فرد. یکی از دلایلی که برای پیشرفت کشورهایی مانند ژاپن ذکر کرده‌اند این است که حس ملی‌گرایی در مردم این کشور، به قدری قدرت گرفت که روزی ۱۴ تا ۱۵ ساعت برای منافع ملی تلاش می‌کردند و این به معنی ترجیح منافع ملی - اجتماعی به منافع فردی است. از نظر آقای مازلو، هر انسان به ۵ سطح نیاز دارد: نیازهای فیزیولوژیک، نیازهای ایمنی، نیازهای اجتماعی، نیاز احترام و نیاز خودشکوفایی که این نیازها، به ترتیب برآورده می‌شوند، یعنی هرکدام که ارضا نشده باشد، به نیاز